



انجام آزمایش روی حیوانات زنده و انسان ها دارای دیرینه تاریخی می باشد. حدود ۲۰۰۰ سال پیش روی برده ها و مجرم ها آزمایش انجام می دادند.

در عصر حاضر هم با وجود مشکلات آموزشی و اخلاقی و با وجود روشهای پیشرفته و انسانی، هنوز هم بطور گسترده در کلاسهای عملی بسیاری از رشته ها از حیوانات زنده برای آموزش و آزمایش استفاده می شود.

برمبنای آمار تقریبی، همه روزه بین ۱۰۰-۱۵۰ میلیون حیوان از موش گرفته تا خرگوش، سگ و گربه، خوک و بز و انواع میمونها به طرق دردناک، شکنجه آور، غیر انسانی و غیر ضروری تحت آزمایشات مختلف پزشکی، شیمیایی، بیوشیمیایی و بیولوژیکی قرار میگیرند.

تاریخچه آزمایش بر روی حیوانات

دکتر رامک روشنایی

روشهای آزمایشهای تجربی در قرن ۱۷ توسط گالیله و بیکن کشف شدند. تا قبل از قرن ۱۷ کالبد شکافی حیوان زنده بطور محدود انجام می گرفت. قرن ۱۷ شروع پیشرفتهای علمی در زمینه طب و فیزیک و شیمی بود. بیکن اصرار زیادی روی استفاده از حیوان زنده در تحقیقات داشت. در آن زمان در انگلیس و فرانسه این کار بسیار مرسوم شد. آنها اعتقاد داشتند که حیوان درد را درک نمی کند ؛ دکارت، فیلسوف فرانسوی، حیوانات را به ماشینی تشبیه کرد که فریاد آنها چیزی بیش از صدای تیک تیک ساعت معنا نداشت.



در قرن ۱۹ با انقلاب صنعتی که رخ داد انجام آزمایشها شدت گرفت. محققان بطور تمام وقت در آزمایشگاه های مخصوص حیوانات به کار گرفته شدند. دو فیزیولوژیست فرانسوی به نامهای ماگندی و کلود برنارد روشهای جدید علمی با استفاده از حیوان را ابداع و متداول کردند.



پیمان نامه هلسینکی که به دنبال افزایش جنایات هولناک آلمانها در آزمایش بر روی انسان، در سال ۱۹۶۴ میلادی به تصویب رسیده و هرگونه آزمایش بر روی گونه بشر را بدون انجام آزمایشات اولیه بر روی حیوانات، در بعد بینالمللی قدغن اعلام کرده است.

در حالی که صنعت داروسازی بسرعت به پیش می رفت و از آزمایش بر روی حیوانات بمنظور افزایش در آمد بهره می برد، جامعه ی تالیومید پیش آمد. تالیومید، دارویی که برای کاهش آثار ناخوشی بامدادی (یا تهوع صبحگاهی در زنان باردار) تجویز می شد، باعث تولد بیش از ده هزار نوزاد ناقص شد. این ماجراکنگره ی آمریکا را بر آن داشت تا هرآنچه در توانش بود برای بازگرداندن اعتماد مردم به صنایع داروسازی انجام دهد. قرار بر آن شد که این اطمینان از راه تصویب قانونی برای الزامی شدن آزمایشات حیوانی به جامعه داده شود.

غافل از اینکه تالیدومید پیش از عرضه به بازار بر روی حیوانات آزمایش شده بود و در آنها باعث نقص های مادرزادی نشده بود و حتی پس از این قانون و وقتی دانشمندان پی بردند که دنبال چه تاثیری بگردند، نقص مادرزادی ناشی از تالیدومید بندرت در حیوانات مشاهده شد.

در میان پانزده نژاد موش، ده نژاد موش صحرایی، یازده نژاد خرگوش، دو نژاد سگ، سه نژاد همستر و هشت گونه نخستین (پریمات) و همچنین گونه های متفاوتی مانند گربه، آرمادیلو، خوکچه هندی، خوکسانان و راسوهایی که تالیدومید برای روی آنها آزمایش شد، دشدیسیگی تنها گهگاه دیده شد.



هیچگاه به این موضوع اهمیت داده نشد که مدارک نیرومند و فراوانی وجود داشت که آشکارا نشان می داد مواد شیمیایی در گونه های متفاوت، بسیار متفاوت عمل می کنند.

بوسیله ی تصویب قانونی که به موجب آن باید بی خطر بودن و موثر بودن همه ی داروها قبل از عرضه به بازار در آزمایشهای حیوانی به اثبات برسد، دولت آمریکا مفری ساخت برای پنهان شدن شرکت های داروسازی و همه ی صنایعی که در مورد سلامت محصولاتشان از نظر پزشکی تردید وجود دارد.

از آن زمان، هرگاه شکایتی طرح می شود، شرکت های داروسازی ادعا می کنند که طبق متن قانون رفتار کرده اند.

بدون شک، منافع هنگفت تجاری که صنایع از وجود این شکاف قانونی بدست می آورند، نقش بزرگی در ایجاد نوعی قداست و مصونیت از انتقاد و تغییر برای آزمایشات ناکارآمد حیوانی بازی کرده است.

بسیاری از این آزمایشات هیچگونه نقشی در بهبود سلامتی انسانها نداشته اکثراً به دلایل متفاوت بهره‌گیریهای مادی و شغلی صورت گرفته و در موارد بسیار زیاد در سلامتی انسان نقش مخرب نیز ایفا میکنند.

چرا باید آزمایشات پزشکی بر روی حیوانات قطع گردد؟

”دکتر زرین آذر“



۱- این آزمایشات غیر اخلاقی و ظالمانه بوده با درد، شکنجه، آزار و اسارت و نهایتاً مرگ در وحشت و تنهایی موجوداتی بی دفاع همراه است.

بطور کلی عموم مردم در مورد شرایط زندگی و نگهداری حیوانات آزمایشگاهی و چگونگی انجام آزمایشات بر روی آنها در بیاطلاعی مطلق نگهداشته میشوند. آنها تحت این تصور هستند که این حیوانات در شرایط انسانی و راحت نگهداری شده در هنگام آزمایشات مورد بیاحسی و یا بیهوشی کامل قرار گرفته و درد نمیکشند.

محل نگهداری و چگونگی انجام آزمایش بر روی این موجودات از چشم مردم مخفی نگهداشته شده و معمولاً از اجازه ورود و بازدید عموم تحت عناوین مختلف از جمله «حفظ امنیت»، «خطر انتقال میکروبیهای بیماریزا» و امثالهم جلوگیری به عمل می‌آید.

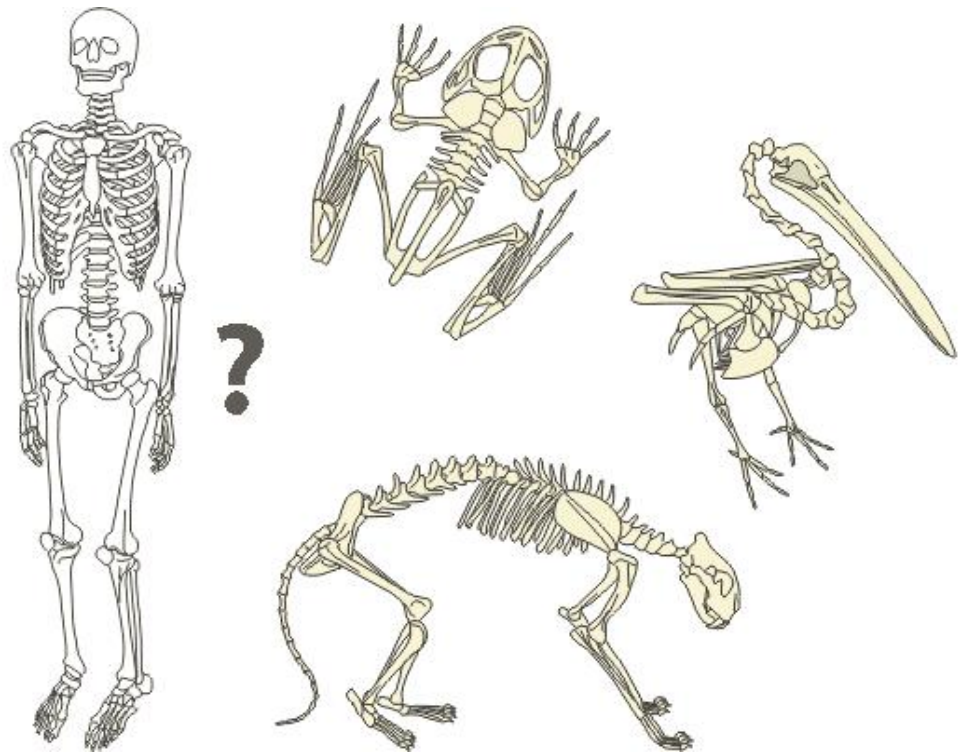


بطور مثال، بسیاری از مردم نمیدانند که ایجاد زخم و بریدگی با چاقو یا در مقابل گلوله و خمپاره قرار دادن، بریدن یا شکستن دست و پا، قطع کردن یا له کردن و بریدن دیگر اعضای بدن، شوکهای مکرر الکتریکی در طول روز، تکه برداری، شکستن جمجمه، وصل کردن الکترودهای جریان برق به مغز نخاع و مخچه، تزریق مواد سمی، ایجاد تشنج، درد، حملات صرعی، خونریزیهای داخلی، اسهال، استفراغ و بسیار عوارض دیگر بوسیله داروهای مختلف، اعمال گازهای اشک‌آور، گازهای سمی و مواد سرطانزا بر چشم و گوش در مورد میمونها، خوردن الکل و سایر مواد سمی غوطه‌ور کردن یا غرق کردن در آب، پرتاب وزنه‌های سنگین روی جوندگان برای قطع نخاع و ایجاد فلجی، و هزاران هزار فجایع مشابه اساس آزمایشات بر روی حیوانات را تشکیل میدهد.



شکی نیست که اگر مردم از ماهیت این آزمایشات با خبر بودند برای ممنوعیت آنها با ما هم صدا میشدند.

2- به دلیل تفاوت‌های فاحش فیزیولوژیک، بیولوژیک، پسیکولوژیک، ژنتیک، آناتومیک و محیط زیستی بین انسان و دیگر حیوانات، نتایج آزمایش بر روی حیوانات غیر قابل اعتماد است. تجربه نشان داده که تکیه بر نتایج بدست آمده از آزمایش بر روی حیوانات نه تنها کمکی به بهبود وضع سلامت انسانها نکرده بلکه در بسیاری موارد نتایج غلط، انحرافی و خطرناک برای بشر به بار آورده است.



3- شرایط ساختگی محیط آزمایشگاهی و ایجاد بیماری مصنوعی در حیوانات برای مطالعه آن هر چند هم که سعی در شبیهسازی آن به محیط زندگی انسانها و پروسه بیماری در آنها گردد باز هم مصنوعی و غیرقابل اعتماد است.



بیماریهای مختلف در میان گونها و انواع مختلف متفاوت بوده داراری اتیولوژی، تاریخ طبیعی، علایم بالینی و پروسه

متفاوت بوده به درمان نیز پاسخی متفاوت می‌دهند.

حال آنکه مشاهده و تحقیق پروسه ایجاد و پیشرفت یا بهبود بیماریها در جوامع انسانی و تحقیقات اپیدمیولوژیکی بر روی جوامع، گروهها و قومیتهای متفاوت نتایج قابل اتکایی در مورد علل بوجود آورنده بیماریها و گروهها و دستهایی که در ریسک کمتر یا بیشتر قرار دارند بدست خواهد داد.

این تنها راه قابل اعتماد برای آزمایش بر روی بیماریهای انسانهاست. حیوانات همچنین با زبان انسان تکلم نکرده قادر نیستند تأثیرات داروهای مختلف و مواد شیمیایی، بهبود یا عدم بهبود خود را با ما در میان بگذارند.

این خود سرچشمه بسیاری از اشتباهات و نتیجهگیریهای نادرست و بیاطلاعی از بسیاری عوارض بدنی میگردد. که سپس میتواند در انسانها عواقب غیر قابل جبرانی ببار آورد.

4- بسیاری از آزمایشات تکراری، بی‌معنا و بی‌فایده بوده به دلایلی غیر از دلایل شناخت و درمان بیماری و یا به اصطلاح کمک به انسانها انجام میشوند.

این دلایل عدیده بوده و از میان آنها میتوان گرفتن کمکهای مالی از دولت، از کمپانیهای دارویی یا تکنولوژیکی و از مراکز تحقیقاتی یا دانشگاهی که از این نوع آزمایشها پشتیبانی مینمایند، انتشار نتایج آزمایشی، صرفنظر از موضوعیت داشتن یا قابل استفاده بودن آن برای انسان، برای کسب پرستیژ، حفظ و نگهداری مشاغل و کرسیهای دانشگاهی، نفوذ شبکههای پرورش یا اسارت حیوانات به منظور فروش آنان به آزمایشگاهها و مراکز تحقیقاتی و بهره‌گیریهای غول آسای مالی و پذیرش و مقاومت روشهای جدید و آسان بدون روشهای جا افتاده و تکراری و... را نام برد.

5- انسان مرکز ثقل جهان نیست.



بنظر می‌رسد که بخصوص در چند صد سال اخیر با غلبه علم و تکنولوژی بر تفکر و زندگی، بشر خود را مرکز جهان و کائنات تصور کرده بدین باور رسیده که از عقل و هوشی برتر نسبت به تمامی موجودات دیگر برخوردار است و براین مبنا به خود اجازه داده که با «موجودات پستتر از خود» هرگونه که خواست رفتار کند.

امروزه به درستی ثابت شده که انسان نه تنها مرکز کائنات نبوده بلکه از نظر هوش و درک و احساس در همین کره خاکی نیز تک و بیهمتا نیست.

تحقیقات، مطالعات، تجربیات و مشاهدات فراوان افرادی که از نزدیک در ارتباط با حیوانات بوده و حتی در میان آنان زندگی کرده‌اند نشان می‌دهد که مغز این حیوانات از نظر عملکرد اگر بالاتر از مغز انسان نباشد هم ردیف آن است.

به عنوان مثال ثابت شده که دولفینها دارای شخصیت، فرهنگ و جامعه بوده هر دولفینی قائل به فردیت شخص خود و تمیز خود از دیگران است. این مسئله مختص به دولفینها نبوده و می‌دانیم که بطور کلی حیوانات دارای هوش، ادراک و احساس بوده از اجتماع و قوانین اجتماعی خاص خود برخوردارند.

6- ما انسانها تنها موجودات روی زمین نیستیم. کره زمین خانه همه است.

همه موجودات دیگر مانند ما انسانها حق حیات دارند. هر موجودی در این جهان صرفنظر از شکل و رنگ و اندازه نه فقط دارای حق حیات بوده بلکه در تداوم چرخه حیات و اکوسیستم نقش مهمی بازی میکنند.



که ره زمین در کل خود یک ارگانیسم زنده، یک بدن است و هر یک از ما موجودات چه نبات، چه حیوان و چه کانی مانند سلولی از این بدن، همانگونه که هر سلولی در وجود ما جایگاه و عمل خاص خود را داشته بدون آن، اعمال حیاتی بدن دچار اختلال گشته و سرانجام به مرگ ارگانیسم میانجامد به همان شکل هر موجودی در چرخه اکوسیستم جایگاه خاص خود را داشته نقش خاصی را در هموستازی، بالانس و بقای کره زمین و م وجودات دیگر برعهده دارد.

درک این نکته باعث تکریم و احترام به حیات در هر شکل آن، تواضع و فروتنی به جای اینکه خود را صاحب هرگونه حقی بدانیم، میگردد.

7- همه ما به هم وابسته‌ایم و توسط شبکه‌های به نام حیات با یکدیگر در ارتباطیم.



حیات ما بسته به حیات دیگر موجودات طبیعت است. هوایی که ما نفس میکشیم همان هوایی است که سگ و گاو و خرگوش و دیگر حیوانات تنفس میکنند آب و خاک نیز همان است. آنچه آنها بیرون میریزند ما مصرف میکنیم و آنچه ما بیرون میریزیم به مصرف آنها میرسد.

برخلاف تصور داروین که کل حیات و همه موجودات را در رقابت، جنگ و سببیت مداوم با یکدیگر میدانست، کل چرخه حیات در همکاری و همیاری با هم است که موجودیت مییابد.

همه ما برای ادامه حیات به هم وابسته‌ایم. ما به هوا و گیاهان و حیوانات و خورشید و آب وابسته‌ایم دیگر حیوانات هم به ما و به یکدیگر وابسته‌اند. سببیت ما تکرار و تداوم سببیت در جهان است و مهربانی ما تداوم مهربانی در جهان.

همه ما به هم وابسته‌ایم و درد و شکنجه هر موجودی درد و شکنجه ما، درد و شکنجه دیگر موجودات و درد و شکنجه زمین و حیات است.

۸- حیوانات دارای حس و ادراک هستند، درد میکشند، ترس و وحشت را میشناسند و بجای بسر بردن در تنهایی در قفسهای سرد آزمایشگاهی در خوف شکنجهگاه باید در محیط طبیعی خود در طبیعت زندگی کنند.

حیوانات مهربانی را میشناسند و در مقابل محبت عکسالعمل مهربانانه و سپاسگزارانه نشان داده با انسان اُخت شده اعتماد نشان میدهند. هر انسانی که به شکلی در رابطه با حیوانات قرار میگیرد بدرستی بر این نکات صحه خواهد گذاشت.



۹- شفقت و مهربانی به حیوانات قلب های ما و جهان ما را مهربان تر و نرم خوتر میکند.
چه کسی است که نخواهد در جهانی سرشار از عدالت، در صلح و مهربانی، به دور از جنگ و کشتار و در کنار خانه و خانواده خود در سلامت و شادمانی زندگی کند. دیگر موجودات نیز همین گونه محیط زیست و زندگی را دوست دارند و خواهان آنند. خشونت، خشونت میآفریند . سبعت جنگ و ترس و ویرانی را دامن میزند. آزار و سبعت نسبت به حیوانات سکوت و تحمل در برابر آن آموزش خشونت و سبعت به جامعه و به کودکان ماست.



10- درصد بسیار بزرگی از بیماریهایی که امروزه بشر بدان مبتلاست در اثر تغذیه نادرست و ناسالم و محیط زیست و تفکر بیماریزا بوجود آمده است. درصد بزرگتری از بیماریها نیاز به دارو و درمان نداشته با استراحت و طی شدن پروسه بیماری، توسط بدن بهبود پیدا میکنند.



بطور مثال در مورد شناخت و درمان بیماریهای دیابت، فشار خون، چاقی، بالا بودن کلسترول، بیماریهای قلبی، کبدی، رودهای و بسیاری بیماریهای دیگر که ارتباط مستقیم با طرز تغذیه و نوع زندگی دارند به جای آزمایشات بیهوده با هزینههای سرسام آور و کشتار و شکنجه روزانه میلیونها حیوان، باید به تعلیم و آموزش روشهای درست تغذیه پرداخت.

برنامههای آموزشی تغذیه و روش زندگی سالم باید پزشکان و دستاندرکاران را نیز به اندازه بیماران در برگیرد زیرا متأسفانه کارشناسان امور سلامت نیز خود به جز درصد کوچکی، از این دست آموزشها بیبهره نگاه داشته شدهاند.

11- امروزه علم و تکنولوژی، گزینه های فراوانی به جای استفاده از حیوانات در امور آزمایشگاهی و آموزشی فراهم آورده است.

این روشها نه تنها انسانیت را از نظر اقتصادی مقرون به صرفهتر میباشند بلکه به دلیل شباهت بسیار نزدیکتر به مدلهای انسانی و شرایط واقعی بیماریها و هم چنین پاسخ بدن به درمانهای مختلف قابل اتکا، اثر و حقیقتتر هستند.



با تشکر از گروه "ایرانیان مخالف آزمایش روی حیوانات" و دکتر زرین آذر و دکتر رامک روشنایی و همه کسانی که در گردآوری و تهیه این مقالات نقش داشته اند.

برای آشنایی با گروه "ایرانیان مخالف آزمایش روی حیوانات" و فعالیت هایشان می توانید به آدرس سایت زیر مراجعه کنید:

) ایرانیان مخالف آزمایش روی حیوانات" (IAVA : Association Vivisection Anti Iranian)

www.noanimaltesting.ir

<http://noanimaltesting.ir/post-31.aspx>

<http://noanimaltesting.ir/post-11.aspx>

<http://noanimaltesting.ir/post-12.aspx>

(گروه مقالات به خاطر برخی عکس های دلخراش و ناراحت کننده در این مقاله از بازدید کنندگان عذر خواهی می کند.)